

تدقیق و تحدید حوزه شمول و نمود نشانه‌ها در معماری*

تاریخ دریافت: ۹۲/۲/۱۴
تاریخ پذیرش نهایی: ۹۲/۸/۳

سحر باقری** - علیرضا عینی فر***

چکیده

معماران در طراحی‌های خود، اهداف متعددی را دنبال می‌کنند. یکی از مهم‌ترین این اهداف، فراتر از پاسخ به عملکردها، تجلی مفاهیم عمیق و تأمل برانگیز در محیط زندگی می‌باشد. چراکه وجه تمایز انسان از سایر موجودات قوه ناطقه او و نیازهای مربوط به آن است. هدف از انجام این پژوهش تبیین مفهوم نشانه و ارتباط آن با معنا در حوزه معماری و تعیین محدوده شمول و نمود نشانه‌ها در مباحث طراحی معماری است. فرض بر این است که "مفهوم"، "ارزش"، "معنا" و "باورها"، با گذر از لایه‌های متعدد و به واسطه ابزارهای کالبدی قابل دریافت می‌شوند. در واقع آنچه به‌عنوان معماری نمود پیدا می‌کند، بر مفاهیمی دلالت دارد که معماری برای بیان آن شکل گرفته است. این رابطه دلالت‌گری و شیوه‌های متجلی شدن آن در بنا، به واسطه انتخاب‌های معمارانه‌ای است که موجب تفاوت در جلوه نهایی یک اثر معماری می‌شود. پرسش اصلی این است که دلالت‌های معمارانه نشانه، چگونه قابل دسته‌بندی هستند و مرز بین انواع نشانه‌ها در معماری چگونه قابل تشخیص و تمییز است؟ در این مقاله، برای پاسخ به این پرسش، شیوه‌های مختلف دلالت‌های معمارانه و شیوه‌های نمود کالبدی آن در آثار معماری در چارچوب مباحث علم نشانه‌شناسی، به عنوان یکی از مرتبط‌ترین علوم با مفاهیم دلالت‌گری، مورد تحلیل قرار گرفته است. روش تحقیق کیفی و رویه عملی آن، استفاده از مطالعات مکتوب در زمینه نشانه‌شناسی و معماری بوده است. ابتدا داده‌ها و نظریه‌های مرتبط با این مباحث، گردآوری و در جداول استخراجی خلاصه شدند. سپس با مطالعه و تحلیل مقایسه‌ای آن‌ها، روابط جدیدی حاصل شد که در ادامه در جداولی گردآوری شدند. نکات حاصل از مطالعه مقایسه‌ای مصداق‌های معماری، به طبقه‌بندی جدیدی از نشانه‌ها در معماری و تحدید و تدقیق حوزه شمول و نمود مباحث نشانه‌شناسی در معماری انجامید. بدین ترتیب نشانه‌ها در معماری در یک طیف چهارتایی از شمایل، نمایه-شمایل، نمایه و نماد، طبقه‌بندی شدند و جایگاه انواع استعاره در معماری در این طبقه‌بندی تعیین و تبیین شد.

واژگان کلیدی: نشانه، نماد، شمایل، استعاره، دلالت‌های معمارانه.

* این مقاله مستخرج از بخشی از پایان نامه کارشناسی ارشد نویسنده اول با عنوان «موزه نور، تجلی‌گاه مفهوم حقیقی نور» در رشته معماری به راهنمایی آقای دکتر علیرضا عینی فر می‌باشد که در تیرماه ۱۳۹۲ در دانشکده هنرهای زیبا، دانشگاه تهران دفاع شده است.
** کارشناسی ارشد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

Email: s-bagheri@modares.ac.ir

*** استاد معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

مقدمه

مهم‌ترین عملکرد انسان رفتار ادراک و معرفتی اوست. چراکه قوه تعقل و تفکر در انسان وجه تمایز او با دیگر جانداران بوده و دلیلی موجه بر جایگاه رفیع اندیشه و تفکر در زندگی انسان می‌باشد. برای تجلی مفاهیم در معماری، طراحی باید پاسخگوی نیازهای ادراکی باشد. این هدف با روند معناشناسی تاحدودی ممکن می‌شود. در واقع معناشناسی، روندی برای تغییر از طراحی صرفاً عملکردی به سوی طراحی ادراکی است. در روند طراحی، معمار همواره با معضل تبدیل یک مفهوم به کالبد معمارانه روبه‌رو است. در واقع، اثر معماری همواره بر یک مفهوم دلالت می‌کند. بنابراین، برای درک معنایی که بنای معماری برای متجلی کردن آن برپا می‌شود، باید به مفهوم اولیه به‌وجود آورنده آن از طریق درک رابطه دلالت‌گری بین مفهوم به‌عنوان دال و معماری به‌عنوان مدلول از طریق دانش نشانه‌شناسی پی‌برد. بنابراین، درک تفاوت انواع نشانه و مراتب آن در معماری به ما کمک می‌کند تا بر اساس آن‌ها و نمونه‌های معمارانه موجود، چگونگی استفاده از نشانه‌شناسی جهت کالبدبخشی معمارانه به مفاهیم مورد نظر بر ما مشخص شود. سؤال این است که مرز بین انواع نشانه در معماری چگونه قابل تشخیص است؟ حوزه شمول و نمود نشانه‌ها در معماری کجاست؟ و نحوه نمود معنا توسط نشانه‌ها در حوزه معماری چگونه می‌باشد؟

۱. روش تحقیق

ساختار محتوایی این تحقیق با توجه به موضوع مورد مطالعه، ساختاری کیفی می‌باشد و رویه مورد استفاده در آن، بررسی پیشینه مطالعات پیرامون این مبحث و مبانی نظری مرتبط با موضوع بود که به‌صورت داده‌ها و نظریه‌های مورد نیاز، به روش کتابخانه‌ای گردآوری شد. سپس فرآوری و ارزش‌بخشی شد و روابط جدیدی از آن‌ها حاصل آمد. با توجه به هدف این پژوهش که تبیین مفهوم و جایگاه نشانه‌شناسی در معماری می‌باشد، ابتدا سابقه دلالت‌های معمارانه نشانه‌ها مورد مطالعه قرار گرفت و در ادامه به تدقیق و تحدید حوزه نشانه‌شناسی در معماری پرداخته شد.

۲. پیشینه موضوع

اغلب مطالعات و پژوهش‌های صورت‌گرفته پیرامون مباحث مشترک نشانه‌شناسی و معماری در قالب معرفی انواع نشانه‌ها و مفهوم‌سازی آن‌ها به‌واسطه نمونه‌های معماری موجود بوده‌است (Grutter, 2010, pp. 501-523; Noghrekar, 2008, p.). در بسیاری از مطالعات نشانه‌شناسی به‌وفور ملاحظه شده است که نشانه با نماد یکی دانسته شده است (Noghrekar, 2008, p. 271). همچنین، به دلیل عدم تفکیک و تمییز شفاف بین نمایه و نمادها در حوزه معماری، تناقض‌هایی در معرفی مثال‌های معماری از دیدگاه نشانه‌شناسی دیده می‌شود. برای مثال، از ترمینال TWA یا اپرای سیدنی در مواردی به‌عنوان معماری نمادین نام برده شده (HamidRafiei, 2000) و در مواردی دیگر بعنوان یک نمایه از آن یاد کرده اند (Shirazi, 2002, pp. 14-16). مرز میان انواع نشانه به روشنی بیان نشده و تعریف دقیقی از نماد ارائه نشده است. انتونیاس^۱ در کتاب بوطیقای معماری استعاره را از انواع نشانه دانسته و تقسیم‌بندی استعاره محسوس، نامحسوس و ترکیبی را به‌کار برده ولی جایگاه دقیق استعاره را در مبحث نشانه‌شناسی بیان نکرده است (Antoniades, 2002, pp. 61-90). نقض‌ها و ابهامات در مطالعات صورت‌گرفته پیرامون مبحث نشانه در معماری، انگیزه انجام این پژوهش بوده است. در این مقاله از مطالعات پیشین انجام شده در این زمینه، در بخش مثال‌های موردی دلالت‌های معمارانه استفاده شده که تنها برای درک نحوه متجلی‌شدن مبحث نشانه در معماری استفاده شده است. نتیجه این مطالعات به‌دست آوردن طبقه‌بندی جدیدی از نشانه و روشنگری حوزه شمول آن در معماری انجامید.

۳. سیر تحول نشانه‌شناسی

علم نشانه‌شناسی علمی در قلمرو نشانه (Sign) و معنا (Meaning) به بررسی انواع نشانه‌ها، عوامل حاضر در فرآیند تولید و مبادله و تعبیر آن‌ها، و نیز قواعد حاکم بر نشانه‌ها می‌پردازد. نشانه، پدیده‌ای ملموس و قابل مشاهده است که به‌واسطه رابطه‌ای که با یک پدیده غایب دارد، جانشین آن می‌شود و بر آن دلالت می‌کند و ضرورتاً باید نمود مادی داشته باشد تا بتواند به وسیله یکی از حواس انسان دریافت شود (Iran Industrial Design, 2010). فردینان دو سوسور^۲، زبان‌شناس سوئیسی و فیلسوف آمریکایی هم عصر او، چارلز ساندرز پیرس^۳، بنیان‌گذاران اصلی نشانه‌شناسی هستند. الگوهای ارائه شده توسط این دو نفر کماکان اعتبار بنیادی خود را حفظ کرده و مبنای تحولات بعدی نیز بوده اند. سوسور الگویی "دو وجهی" از نشانه ارائه می‌کند که در آن نشانه تشکیل شده است از: ۱. دال، تصور صوتی، ۲. مدلول: مفهومی که دال به آن دلالت می‌کند یا تصور مفهومی. از دید سوسور نشانه زبانی یک مفهوم را به یک تصور صوتی پیوند می‌دهد و منظور از تصور صوتی، پنداشت روان‌شناختی شنونده از صوت است، آن‌گونه که از طریق

حواس دریافت می‌کند. "نشانه کلیتی است ناشی از پیوند بین دال و مدلول" (Ahmadi, 1992, pp. 52-72). اما در نشانه‌شناسی پیرس، نشانه همه چیز را در برمی‌گیرد و همه ساحت‌های واقعیت و هستی انسانی جایگاه کنش نشانه‌ای می‌شود. وی الگوی "سه‌وجهی" از نشانه را معرفی کرد: (۱) بازنمون: صورتی که نشانه به خود می‌گیرد (و الزاماً مادی نیست)؛ (۲) تفسیر: معنایی که از نشانه حاصل می‌شود؛ (۳) موضوع: که نشانه را به آن ارجاع می‌دهد. پیرس، تعامل بین بازنمون، موضوع و تفسیر را "نشانه‌گی" (کلیت فرآیند معنی‌سازی) نامیده است (Ahmadi, 1992) (جدول ۱).

جدول ۱: نشانه از دیدگاه پیرس

نشانه	رابطه دال و مدلول	مثال
شمایل (Icon)	تشابه	تصویر/عکس/ماکت معماری/نقشه‌ها/مدل‌ها
نمایه (Index)	غیرقراردادی- نسبت زمانی و مکانی بین دال و مدلول	علائم مورد توجه هواشناسان در پیشبینی جوی رابطه میان دود و آتش و انواع نشانه‌های طبیعی چون بو و مزه رابطه میان ضربان نبض و احتمال تب و عموم نشانه‌های مورد توجه پزشکان
نماد (symbol)	قراردادی	زبان بطور عام/علامتهای رمزی مرس/پرچم‌های ملی/چراغ راهنمایی و رانندگی

(اقتباس از Ahmadi, 1992, pp. 52-72)

تقسیم‌بندی نشانه‌ها در اصل به شیوه کاربرد آن نشانه و بافت‌های خاص کاربردشان وابسته است. برخی معتقدند نمایه، شمایل و نماد، تنها بیانگر وجه تمایز و شاخص این سه‌گونه از انواع نشانه هستند و گرنه هر یک دارای عناصری از دو گونه دیگر نیز هستند و هر سه مکانیسم معنایی در فهم معنای یک نشانه به کار می‌روند (Alston, 2002, p. 137).

از سال ۱۹۶۰ به این سو، آراء پیرس رواج یافت به طوری که بخش بزرگی از نشانه‌شناسی معاصر متأثر از اوست. در این دوران، نشانه‌شناسان در برابر دو پرسش بنیادین قرار گرفتند: (۱) نظام‌های نشانه‌ای از چه عناصری تشکیل شده است؟ (۲) گستره و قلمرو این رشته علمی تا کجاست؟ پاسخ به این دو پرسش، منجر به پیدایش دو دیدگاه نظری متفاوت، با عناوین نشانه‌شناسی ارتباط و نشانه‌شناسی دلالت شد. در نشانه‌شناسی ارتباط، موضوع نشانه‌شناسی پدیده‌هایی است که به قصد ارتباط و در چارچوب یک ارتباط تولید و دریافت شده‌اند. بنابراین، ارتباطات انسانی و به تبع آن زبان در مرکز توجه هستند. اما نشانه‌شناسی دلالت، قلمرو نشانه‌شناسی را به همه پدیده‌های دلالتی گسترش می‌دهد. به این ترتیب، هر چیزی را از آنجا که می‌تواند دلالت‌گر باشد، در قلمرو نشانه‌شناسی قرار می‌دهد. رولان بارت^۴ شاخص‌ترین چهره نشانه‌شناسی دلالت است. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای بارت طرح و بسط دو مفهوم اساسی دلالت تصریحی و دلالت ضمنی است. دلالت تصریحی به نوعی رابطه نشانه‌ای اشاره دارد که به طور مستقیم میان یک دال و یک مدلول برقرار می‌شود. اما در دلالت ضمنی، ساخت نشانه‌ای پیچیده‌تر می‌شود و طی آن یک نشانه که خود حاوی یک دال و یک مدلول است، همچون یک دال برای مدلولی دیگر عمل می‌کند.

البته، نشانه‌شناسی فقط به این دو رویکرد اصلی محدود و منحصر نمی‌شود، بلکه رهیافت‌های گوناگونی در این عرصه پدیدار شده‌اند. برای مثال، امبرتو اکو^۵ با استفاده از نظام نشانه‌شناسی بی‌پایان پیرس و جنبه‌های اجتماعی اندیشه سوسور، این اندیشه را مطرح می‌کند که معنا و تفسیر، دارای ریشه‌های رفتاری، تاریخی، و اجتماعی هستند و در جریان کاربردشان در فرآیندهای ارتباطی تغییر می‌یابند. وی معتقد است دلالت، همه پدیده‌های فرهنگی را در برمی‌گیرد و نشانه‌شناسی را همچون علمی تعریف می‌کند که به ارتباط، خوانش و تفسیر جنبه‌های اجتماعی فرهنگی زندگی می‌پردازد (Carmona, 2012, pp. 167-187; Eco, 1986; Krampen, 1987; Innis, 1985; Larsen, 1982; Barthes, 1985). بنابراین با توجه به دیدگاه نشانه‌شناسی دلالت رولان بارت و دیدگاه اکو، معماری، هم به عنوان یک پدیده دلالتی و هم به عنوان یک پدیده فرهنگی، بدون شک جایگاه ویژه‌ای در نشانه‌شناسی دارد.

۴. معناشناسی

معناشناسی روندی است در جهت درک آنچه معماری برای آن به وجود آمده است. طراحی مانند یک زبان بوده و هدف آن ایجاد ابزارهایی است برای بیان مفاهیمی که مردم، نه تنها از کیفیات فیزیکی بلکه از آنچه که به طرح روح و احساس می‌دهد، برداشت می‌کنند (Iran Industrial Design, 2010). طراحی، تنها برای پاسخ به یک عملکرد، چیزی نیست که بتواند به اموری چون هویت و دیگر مفاهیم معنوی جوابگو باشد. برای متجلی کردن این امور در معماری، طراحی باید در جهت پاسخ به نیازهای ادراکی باشد و این هدف با روند معناشناسی ممکن می‌شود. در واقع معناشناسی روندی برای

تغییر از طراحی صرفاً برای عملکرد به سوی طراحی برای ادراک می‌باشد (Iran Industrial Design, 2010; Carmona, 2012). ما بر محیط اثر می‌گذاریم و از آن تأثیر می‌پذیریم. پس برای ایجاد چنین ارتباط متقابلی باید محیط را مشاهده و درک کنیم (Bell et al., 1990).

بیان، فرآیند تحقق یک "بود" درونی است، آن‌گاه که یک واقعیت همچون یک مفهوم، حس یا رابطه در فضای اندیشه‌ای، احساسی، خیالی، شهودی یا تجربی درون انسان درک، تصور، مشاهده یا تجربه می‌شود. فضای اندیشه‌ای گسترده انسان در عالم درون، برای حضور و ابراز در عالم درون وابسته به بیان است و چیزی بیان نمی‌شود مگر آن‌که به واسطه‌ای، حضور و صورت پیدا کند. هر آنچه که بتواند بیان را تحقق بخشد و به درستی عامل شناسایی، تعریف و برقراری ارتباط شود، آن‌گونه که عده‌ای در مقیاس‌های گوناگون به تفاهم پیرامون یک موضوع برسانند، در معنای عام می‌تواند "زبان" نام گیرد و این امر محقق نخواهد شد مگر آن‌که علائم، نشانه‌ها و صورت‌هایی (فرم‌ها) به صورت قراردادی و تعیین شده یا آشنا به کار گرفته شوند. بیان، به میزان ظهور مفهوم در زبان و نیز بسته به قابلیت تعمیم و انطباق‌پذیری مفهوم با زبان و ابزارهای بیانی آن بستگی دارد. "مفهوم"، "ارزش"، "معنا" یا "باور"، از طریق گذر از لایه‌های متعدد و به واسطه زبانی کاربردی یا ابزارهای کالبدی به ماده یا انرژی تبدیل شده و این‌گونه قابلیت کالبدپذیری یا پردازش کالبد را پیدا می‌کند (MahvashMohamadi, 2008).

یکی از مباحث مهم در معناشناسی موضوع سطوح مختلف معنی است. سطح اول، معنی یا اشاره اصلی می‌باشد؛ که مبین عملکرد اصلی (عملکرد قابل حصول) یک موضوع است. سطح بعدی، معنی یا اشاره ضمنی خوانده می‌شود که طبیعتی نمادین و سمبولیک دارد. این سطوح مختلف معنی امکان تفاوت قائل شدن بین عملکرد یا نحوه استفاده مستقیم یک شیء و شناخت اجتماعی از آن شیء را ایجاد می‌کند (Eco, 1968). امبرتو اکو در موضوع معنا در معماری برخی از عناصر و عوامل را دارای بار معنایی مستقیم و برخی دیگر را واجد بار مفهومی غیرمستقیم می‌داند. در برابر نظریه افرادی چون ووانی کلاس کوئینگ که وجود معنا را به واسطه علامت یا نشانه دیداری که کاربرد آن تعریف شده می‌داند، اکو، در برخی موارد برای واسطه‌هایی معمولاً دیداری، معانی ضمنی را بیان می‌کنند که در عین حال بدون سیستم نشانه‌ها قابل فهم نیستند. او این دو گونه از وجوه معنا را یکی معنای صریح و دیگری معنای ضمنی می‌خواند و دو جنبه متفاوت از برقراری ارتباط میان اثر و تجربه‌کننده را معرفی می‌کند (Eco, 1980, pp. 20-24). اگرچه "اصطلاح معنا آشکارا بر چیزی دلالت دارد که نمی‌تواند کمی باشد" (Schultz & Schultz, 1998, p. 85). معنای صریح در بازشناخت معماری می‌تواند تعبیر به ادراک بصری اثر در نخستین مواجهه باشد که شاید بتوان به صورت انتزاعی آن را تظاهر بصری در نخستین لحظه رویارویی با اثر، بدون تأثیرپذیری از جمیع حواس باطنی دانست؛ و شاید بتوان آن را مترادف با ادراک اجمالی ابن هیثم تلقی کرد. بر پایه نظریات وی در کتاب المناظر، ادراک به دو گونه اجمالی و تأملی قابل تقسیم است. اولی، شناخت تقریباً آنی صورت‌های آشنایی است که به کرات دیده شده و سخت در حافظه جای گرفته است. دومی، عملیات پیچیده‌تری است که با معاینه همه اجزای شیء ناآشنا یا پیچیده ملازمت دارد (Necipoglu, 2000, p. 274). با این وجود به نظر می‌رسد که معنای صریح معماری شامل آن جنبه از بیانگری معماری باشد که عملکردهای مورد نظر معماری را به طور آشکار و به صورت متداول و قراردادی نمایان می‌کند. هر معماری علاوه بر بیان صریح مفاهیم، جنبه‌هایی از زندگی را به صورت ضمنی نمود می‌بخشد، که مترادف با پدیده ادراک در معماری است و در این دستگاه فکری وجوه مختلف معماری در واقعیت منطبق بر یکدیگرند و تقدم و تأخری نسبت به یکدیگر ندارند. امبرتو اکو، این معانی را در ارتباط با موضوع عملکرد در معماری به کاربرد اولیه و ثانویه تعبیر می‌کند. اولی، معنای صریح معماری و دومی، معنای ضمنی را به معماری می‌بخشد. ضمن آن‌که اشاره می‌کند این تعبیر به معنای اولویت کارکرد اولیه به ثانویه نمی‌باشد، بلکه به معنای تحقق کارکرد یا عملکرد ثانویه در پس معنای اولیه است (Eco, 1980, p. 25).

برای درک واقعی یک بنای معماری که همان معنای آن بناست، باید مفهوم اولیه به وجود آورنده آن را درک کرد. درک این رابطه دلالتگری بین مفهوم به‌عنوان دال و معماری به‌عنوان مدلول در گرو دانش نشانه‌شناسی است. بنابراین، معناشناسی در معماری در ارتباطی تنگاتنگ با علم نشانه‌شناسی بوده و پرداختن به این دو موضوع برای درک هرچه بهتر ارتباط نشانه‌شناسی و معماری الزامی است.

۵. سابقه دلالت‌های معمارانه

مباحث نشانه‌شناسی امروزه از حوزه زبان و تصاویر فراتر رفته است. چنانچه معماران نیز ارتباطات نشانه‌شناسی و معماری را مورد بررسی قرار داده‌اند. این بررسی به‌گونه‌ای است که انواع نشانه را در قالب مثال‌های معماری تعمیم دادند. در این قسمت به تعاریف و مثال‌های معمارانه‌ای که در مباحث نشانه‌شناسی توسط معماران و هنرمندان مورد بررسی قرار گرفته، پرداخته شده است.

گروتز (۲۰۱۰) در کتاب زیبایی‌شناسی در معماری (pp. 501-523)، معتقد است هر پیامی به ویژه پیام‌های بصری با کمک علائم و نشانه‌ها مبادله می‌شود. وی نشانه را در دو بعد ظاهری^۶ که همان فرم، رنگ، اندازه و غیره نشانه است و بعد

معنوی^۷ که همان مفهوم و محتوای نشانه است تعریف می‌کند و سپس انواع نشانه را در قالب این دو بعد معرفی می‌نماید. این تعاریف به اختصار در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲: نشانه از دیدگاه گروتز

انواع نشانه	ابعاد نشانه	ویژگی	مثال	تصویر
نقش	بعد ظاهری	گویای فرم، اندازه، رنگ و ... تنها یک علامت ظاهری	نقوش تزئینی	
شکل معماری		گویای مفهوم و محتوای نشانه گفتگو از روابط بین علامت و محتوا	بعد معنایی فضای مرکزی: آرامش و سکون	
علامت صریح	بعد معنوی	احتیاج به دانش قبلی در اکثر موارد	پیکتوگرام (تابلوهای فرودگاههای بزرگ، بنادر و ورزشگاههای بین‌المللی)	
استعاره		تطابق تجربیات با شکل، تابع شخص بیننده و محیط فرهنگی بیننده	اپرای سیدنی	
نماد		بیانگر محتوای ذهنی، احتیاج به شناخت قبلی برای درک آن، وابسته به فرهنگ	دروازه‌های توری در آیین شینتو، نماد گذر از مادیات به معنویات	

(اقتباس از: Grutter, 2010, pp. 501-523)

عبدالحمید نقره‌کار (۲۰۰۸)، در کتاب هویت اسلامی در معماری و شهرسازی، نشانه و نماد را یکی می‌داند و بیان می‌دارد که معماری و هر اثر هنری دیگر باید بیانگر و آشکارکننده "چیزی دیگر" باشد. اثر هنری عبارتست از "نشانه" و این نشانه نمایانگر آن چیزی است که "غایب" است. اثر هنری "غیب" را می‌نماید. نماد از دیدگاه او هر آن چیزی است که با ظهور خود امر دیگری را در پس خود نمودار سازد. چگونگی نمودار ساختن این "امر دیگر" به امر دلالت برمی‌گردد. وی دسته‌بندی نمادها از دیدگاه استاد مطهری را به علت عدم تباین و ناسازگاری آن با روش علمی و تجربی تأیید کرده و نمادها را به دو دسته اصلی نمادها با واسطه و نمادها بی واسطه معرفی می‌کند. جدول ۳، به اختصار این دسته‌بندی را معرفی کرده است.

جدول ۳: نشانه از دیدگاه نقره‌کار و مطهری

انواع نماد(نشانه)	طریقه درک نماد	مثال
باواسطه	وضعی	برخی علائم رانندگی
	طبیعی	دلالت سرخی بر خجالت
	منطقی	دلالت دود بر آتش
بی‌واسطه	بی‌واسطه	پدیده‌های طبیعی بعنوان آیات خدا در حکمت اسلامی / عکس نسبت به صاحب عکس / مفاهیم و صور ذهنی ما نسبت به مصادیق خود

(اقتباس از: Noghrehkar, 2008)

آنتونی انتونیاس (۲۰۰۲)، در کتاب بوطیقای معماری به مباحثی پیرامون استعاره به عنوان یکی از انواع نشانه و کاربرد آن در معماری پرداخته است. انتونیاس معتقد است که استعاره کاملاً با نماد متفاوت است، چراکه: (۱) در استعاره مستعار جانشین مستعارمنه می‌شود؛ یعنی هویت خود را از دست می‌دهد تا هویتی تازه کسب کند. در صورتی که در نماد، القاء را داریم. القاء از ویژگی‌های نماد است. (۲) استعاره نیاز به متن پیرامون ندارد. اما نماد نیاز به محیطی دارد که در آن از رهگذر تکرارهای معنی شکوفا شود (Daad, 2008). دلالت صریح و دلالت ضمنی از انواع دلالتگری در معماری می‌باشند که در این کتاب در قالب مثال‌هایی پیرامون انواع استعاره تفهیم شده است. همه این موارد به اختصار در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴: استعاره از دیدگاه آنتونیاس

استعاره	منشاء خلق اثر	ویژگی	مثال معماری	تصویر
استعاره نامحسوس	مفهوم، ایده، حالت انسانی یا کیفیتی ویژه	سطحی بودن معنای بنیادی، امکان درک معنا در صورت درگیر شدن بیشتر با معماری، تعبیر استعاری در پلان و مقطع	ساختمان فیلامونیک معمار: هانز شارون استعاره از تپه‌های پوشیده از تاک انگور (مقطع)	
استعاره محسوس	بعضی ویژگی‌های بصری یا مادی	سطحی بودن و محسوس معنا، کشف‌پذیر بودن ویژگی‌های بصری	موزه ماری تایم (شبه کشتی) معمار: هانز شارون	
استعاره ترکیبی	ویژگی‌های بصری-مادی دستاویزی برای آشکار ساختن برتری‌ها، کیفیات و خصوصیات قالب بصری	عمیق بودن معنای بنیادی عدم محسوسیت معنا در ظاهر	ساختمان بانک خون آلبوکرک معمار: آنتوان پریداک	

(اقتباس از: Antoniades, 2002)

جان لنگ^۸ (۲۰۰۹)، در کتاب آفرینش نظریه‌های معماری، به بررسی ماهیت و مقاصد نمادها و ابعاد زیبایی‌شناختی آن‌ها می‌پردازد. وی از واژه نماد و نشانه به یک معنی استفاده می‌کند و آن را نتیجه یک فرآیند شناختی می‌داند که به تبع موضوع، ورای استفاده ابزاری، معنایی ضمنی پیدا می‌کند. این معانی از داده‌های ذهنی مشاهده‌گر به موضوع گرفته می‌شود و ممکن است از یک تداعی روان‌شناختی، یک عرف اجتماعی یا حتی از یک حادثه نتیجه شود. وی معتقد است نگرش یک فرد به یک نماد، به نگرش فرد به مرجع و پیوند دریافت‌شده بین نماد و مرجع بستگی دارد. مطالب ذکر شده در سطور پیشین مطالعات انجام‌شده پیرامون نشانه‌ها در معماری بود که به موجب آن، دیدی کلی از وضعیت نشانه‌شناسی در حوزه معماری به دست آمد.

۶. تحلیل نتایج و دستاوردهای نظری

هم‌اکنون، نقص‌ها و ابهامات در مطالعات صورت‌گرفته و خلاء شفافیت در مرز نشانه‌ها در حوزه معماری به وضوح قابل درک است. بنابراین، با استفاده از نظریات نشانه‌شناسی و تأمل پیرامون ویژگی‌های خاص هر یک از انواع نشانه از یک سو و بررسی نمونه‌های معماری از سوی دیگر، میزان توجه به بعد ظاهری و بعد معنایی در این بناها، نحوه متجلی شدن معنا، میزان کشف‌پذیری معنا و محل بروز نشانه در معماری در این بناها از سوی دیگر، نشانه‌ها در معماری به چهار دسته اصلی تقسیم شد. حوزه شمول و نمود هر یک از انواع نشانه به تفکیک مشخص و مرز دقیق نماد در معماری از دیگر نشانه‌ها معین شد و چگونگی رابطه دال و مدلول در هر یک از زیر دسته‌بندی‌ها بیان و مثال‌های ملموسی جهت درک بهتر این تقسیم‌بندی ارائه شد. استعاره نیز در دسته‌بندی جدید لحاظ شد و انواع آن در زیرشاخه‌های مربوط به خود قرار داده شد. اهمیت سلسله‌مراتبی کاربرد نشانه در معماری بر اساس میزان کشف‌پذیری معنا و حرکت از طراحی برای عملکرد صرف به سوی طراحی برای ادراک از مواردی است که مورد توجه قرار گرفته است (جدول ۵).

جدول ۵: نشانه‌شناسی در معماری

اهمیت سلسله‌مراتبی	مثال‌های موردی	حوزه شمول و نمود نشانه در معماری	نوع دلالت	نوع دلالت	شاخصه بارز بین دال و مدلول	بعد ظاهری/معنایی	نشانه‌شناسی در معماری
	نقوش تزئینی معماری	جزئیات در معماری	صریح	رابطه تشابه(شباهت تصویری)	بعد ظاهری Syntactic (Aspect)	تصویر یا ایماژ ^{۱۰} (Image)	شمایل ^۹ (Icon)
	ماکت‌های معماری/ نقشه شهرها	ابزارهای معرفی معماری	صریح	رابطه قیاسی	بعد معنایی Semantic (Aspect)	نمودارها ^{۱۱} (Diagram)	
	۱) بنای چیات دی، شبیه دوربین عکاسی ۲) فروشگاه مرغ و جوجه‌فروشی، شبیه اردک	معماری پاسخگو به عملکرد و ادراک	صریح	شباهت صوری صریح بدون نیاز به تأویل	بعد معنایی Semantic (Aspect)	استعاره محسوس ^{۱۲} Tangible (Metaphor)	
			ضمنی	رابطه صوری نسبتاً صریح همراه با تأویل	بعد معنایی سطحی و محسوس	استعاره نامحسوس ^{۱۳} Intangible (Metaphor)	نمایه-شمایل Icon- (Index)
			ضمنی	شباهت غیر صریح همراه با تأویل	بعد معنایی عمیق و غیر محسوس	استعاره ترکیبی ^{۱۴} Combinatorial (Metaphor)	نمایه (Index)
	دروازه‌های توری، آئین شینتو، نماد گذر از مادیات به معنویات	معماری پاسخگو به نیاز ادراکی	ضمنی	رابطه قراردادی	بعد معنایی	با واسطه	نماد (Symbol)
	مساجد		ضمنی	دال = مدلول		بیواسطه (آینه‌نگری)	

دستاوردهای نظری این مقاله که به اختصار در جدول ۵، بیان شده است عبارتند از:

۱) تحدید و تعیین حوزه شمول و نمود نشانه‌شناسی در معماری: نشانه‌ها در معماری‌های پاسخگو به ادراک و عملکرد به طور هم‌زمان، در قالب استعاره محسوس از زیرمجموعه شمایل و نمایه-شمایل یا همان استعاره نامحسوس و نمایه یا همان استعاره ترکیبی نمود پیدا می‌کند و در معماری‌های تنها پاسخگو به ادراک به صورت نماد متجلی می‌شود.

۲) ارائه تقسیم‌بندی و مرزبندی جدیدی از نشانه‌ها و زیرمجموعه هر یک در حوزه معماری:

- تقسیم‌بندی نشانه‌ها در معماری قابل تفکیک به چهار دسته قابل تمییز به عبارت شمایل، نمایه-شمایل، نمایه و نماد می‌باشد که شمایل خود به زیر شاخه تصویر، نمودار و استعاره محسوس تقسیم می‌شود. حجم بسیار زیادی از بناهای معماری دارای بعد معنایی سطحی و محسوس در ظاهر هستند. این کشف معنا در ظاهر، ممکن است در نمای بیرونی، مقاطع، پلان و یا پرسپکتیوهای داخلی و خارجی صورت پذیرد. حجم قابل توجه از بناها با این ویژگی سبب شد که دسته‌ای مجزا به نام نمایه-شمایل در نشانه‌شناسی در حوزه معماری در نظر گرفته شود.

- نکته دیگر در نظر گرفتن استعاره بعنوان یکی از انواع نشانه در حوزه معماری می‌باشد. استعاره به شدت در معماری مورد استفاده قرار می‌گیرد و انواع آن در دسته‌های مربوطه قرار داده شد. و انواع آن در جایگاه خاص خود در زیردسته‌های نشانه‌ها قرار داده شد.

- در این جدول مرز بین نمایه و نماد مشخص شده است.

اولین شاخصه نماد حوزه شمول آن در معماری است که آن را صرفاً در محدوده معماری برای ادراک تعریف می‌کند. بدین معنی که معماری نمادین برای هیچ عملکرد خاصی به وجود نیامده است و هدف از آفرینش آن صرفاً جنبه ادراکی

و معنایی آن است. دومین عامل در تشخیص مرز نماد و نشانه وابستگی شدید معماری نمادین به متن و بستر شکل‌گیری آن برای جلوه‌گر شدن هرچه بیشتر معنای آن بنا می‌باشد. بستر فرهنگی یکی از این متن‌ها می‌باشد که در نمایه‌چنین وابستگی بین بنا و متن وجود ندارد. سومین تفاوت نمایه و نماد در معماری در کثرت معنای دریافتی توسط ادراک‌کننده معماری است. بدین صورت که در معماری نمادین وحدت معنای دریافتی وجود دارد و در معماری نمایه‌ای کثرت معنای دریافتی توسط بیننده شاهد هستیم. هر چه رابطه دال و مدلول قوی‌تر باشد، نشانه صریح‌تر است و مخاطب به سهولت آن را درک می‌کند. نماد در مبحث نشانه‌شناسی به علت قراردادی بودن نوع رابطه دال و مدلول برانگیختگی کمتری دارد و از صراحت کمتری در انتقال مفاهیم برخوردار است (Kosari, 2008; Johnsen, 2009). بنابراین چهارمین تفاوت نمایه و نماد میزان صراحت و کشف‌پذیری معنا در آن‌ها می‌باشد. در نماد معنا در لایه‌ها پنهان‌تری قرار دارد و ورود به عرصه کشف تنها با آگاهی از قرارداد به وجودآورنده آن میسر است.

۳) بیان اهمیت سلسله مراتبی نشانه‌ها در حوزه معماری بر اساس میزان کشف‌پذیری و حرکت به سوی طراحی برای ادراک: بدین ترتیب که هر چه میزان کشف‌پذیری نشانه دشوارتر می‌شود اهمیت آن بیشتر می‌شود. هر چه از شمایل به سمت نماد پیش می‌رویم، درک معنا دشوارتر می‌شود. برای درک هر چه بیشتر و بهتر این نتایج جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۶: نشانه‌شناسی در معماری

نوع نشانه	نوع رابطه دال و مدلول	حوزه نمود نشانه در معماری	مشخصات تصویر	تصویر
شمایل: تصویر	شباهت تصویری	ظهور در عناصر تزئینی معماری	نقوش تزئینی	
شمایل: نمودار	رابطه قیاسی	ابزارهای معرفی معماری	ماکت، نقشه‌های معماری	
شمایل: استعاره محسوس	شباهت صوری صریح	جلوه بیرونی بنای معماری - پاسخگو به نیاز عملکردی	بنای معماری	
نمایه-شمایل (استعاره نامحسوس)	شباهت صوری	کلیت بنای معماری - پاسخگو به نیاز ادراکی و عملکردی	بنای معماری	
نمایه (استعاره ترکیبی)	شباهت صوری غیرصریح	کلیت بنای معماری - پاسخگوئی بیشتر بنا به نیاز ادراکی	بنای معماری	
نماد - با واسطه	رابطه قراردادی	معماری پاسخگو صرفاً به نیاز ادراکی	بنای معماری	

۷. نتیجه‌گیری

طراحی‌های معمارانه و تبدیل مفاهیم مورد نظر به کالبدهای معماری، طی فرآیندی خودآگاه یا ناخودآگاه، با علم نشانه‌شناسی در ارتباط است. نشانه‌شناسی، خواندن یک متن، ساختن و مطرح کردن یک نظام منسجم از مفاهیم مطرح شده است. نشانه‌شناسی در معماری، مرتبط به حوزه معناشناسی و رویکرد طراحی از عملکرد به ادراک می‌باشد. معماری نهایی با توجه به موضع‌گیری طراح و توانایی نشانه‌سازی او شکل‌های متفاوتی به خود می‌گیرد. حاصل مطالعات انجام‌گرفته، در قالب جدولی استنتاجی به عنوان دستاورد نظری این مقاله ارائه شد که در آن طبقه‌بندی جدیدی از

نشانه‌ها در حوزه معماری منتج و حوزه شمول و نمود مبحث نشانه‌شناسی در معماری تحدید و تدقیق شد. بدین ترتیب که نشانه‌ها در معماری در یک طیف چهارتایی ارائه و جایگاه انواع استعاره و ویژگی آن‌ها تشریح شد؛ هنگامی که معماری برای پاسخگویی همزمان به عملکرد و ادراک به وجود می‌آید در قالب نشانه شمایی (استعاره محسوس) و نمایه‌ای-شمایی (استعاره نامحسوس) و نمایه‌ای (استعاره ترکیبی) متجلی می‌شود. همچنین، معنا و مفهوم معماری نمادین و نماد به عنوان یکی از انواع نشانه در حوزه معماری تدقیق شد. معماری نمادین، تعبیری است که عموماً به اشتباه به معماری استعاره نامحسوس اطلاق می‌شود. این نوع معماری گونه‌ای کاملاً مجزا بوده و به معماری‌ای اطلاق می‌شود که تنها پاسخگو به ادراک بوده و معنا در پنهان‌ترین لایه‌های آن موجود می‌باشد. بنابراین دستاورد نظری این پژوهش برای فهم هرچه دقیق‌تر مبحث نشانه در معماری بوده که می‌تواند به عنوان معیاری جهت تشخیص و دسته‌بندی نمونه‌های معماری به آن مراجعه شود و یا در مرحله طراحی جهت انتخاب راهکاری مناسب در روند طراحی مورد استفاده قرار گیرد.

پی‌نوشت

1. Anthony Antoniadis
2. Ferdinand Mongin de Saussure
3. Charles Sanders Peirce
4. Roland Barthes
5. Umberto Eco
6. Syntactic
7. Semantic
8. Jon Lang
9. Icon
10. (Image)
11. (Diagram)
12. (Tangible Metaphor)
13. (Intangible Metaphor)
14. (Combinatorial Metaphor)

References

- Ahmadi, B. (1992). *From Pictorial Signs to the Text: Toward the Semiotics of Visual Communication*, First Edition, Tehran: Markaz Publications, 52-72.
- Alston, William, P. (2002). *Philosophy of Language*, (A. Iranmanesh, A. Jalili, Trans.). First Edition, Tehran: Sohrevardi, Tehran, 137.
- Antoniadis, Anthony C. (2002). *Poetics of Architecture: Theory of Design*. Vol. I: Strategies Toward Subtle Architectural Creativity, AAY, A., First Edition, Tehran: Soroush Publications, 61-90.
- Barthes, R. (1985), *L' Aventure Sémiologique*. Paris: Seuil.
- Bell, P.A., Fisher, J.D, Baum, A. & Greene, T.C. (1990). *Environmental Psychology*, Third Edition, Holt, Rinehart & Winston, Inc., London.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S. (2012). *Public Places Urban Spaces the Dimensions of Urban Design*, (Gharaei, F., Trans.). Third Ed., Tehran, Tehran Art University Press, 167-187.
- Daad. S. (2008). *Dictionary of Literary Terms*, Fourth Ed., Tehran: Morvarid.
- Eco, Umberto (1980). *Function and Sign: The Semiotics of Architecture*. In Geoffrey Broadbent and Richard Bunt and Charles Jancks eds. *Signs, Symbols and Architecture*. Chichester: John Wiley & Sons, 25.
- Eco, Umberto (1968). *Function and Sign: Semiotics in Architecture*, in the *City and the Sign: an Introduction to Urban Semiotics*, Gottdiener, M. and Lagopoulos, A., (ads), New York, Columbia University Press.
- Grutter, Jorg Kurt (2010). *Ästhetik der Architektur: Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung*, Pakzad, J, Tehran: Center for Rehabilitation of the Blind Country Rudaki, 501-523.
- HamidRafiei. M (2000). Introduction to the Concept of Symbol and Sign, *Journal of Architecture and Culture*, 79-1158379.
- Innis, Robert E. editor. (1985). *Semiotics: An Introductory Anthology*. Bloomington: Indiana University Press.
- Iran Industrial Design (September 2010). *Semiotics in Product Design*, Retrieved from <http://www.newdesign.ir/search.asp?id=739&rnd=9265>, 2013.02.09
- Jorgen Dines, J., Larsen, S. (2009). *Signs in Use: An Introduction to Semiotics*, Miremadi. 2nd Edition, Tehran: Varjavand.
- Kosari. M. (2008). *Semiotics of Mass Media*, *Quarterly Journal of Media*, Vol. XIX (73), 38.
- Krampen, M., Oehler, K., Posner, R., Sebeok, TA. & von Uexküll, T. (1987). *Classics of Semiotics*. New York: Plenum Press.
- Lang, Jon T. (2009). *Creating Architectural Theory: The Role of the Behavioral Sciences in Environmental Design*, (A. Einifar, Trans.). 3d Ed., Tehran: Tehran University Publication, 230-246.
- Larsen, S. E. (1994) "Semiotics", in R. E Asher, editor-in-chief, *The Encyclopedia of Language and Linguistics*. Oxford: Pergamon Press, 3821-3832.
- MahvashMohamadi, Z. (2008). *Qualitative of Light in Architecture: Animating the Body, Processing Space with an Emphasis on Mosques in Iran*. Advice of Alireza Einifar, PhD Thesis, Faculty of Fine Arts, Tehran University.
- Necipoglu, G. (2000). *The Topkapı Scroll: Geometry and Ornament in Islamic Architecture: Topkapı Palace Museum Library MS H*, (B. Ghayoumi, Trans.). Tehran: Rozaneh.
- Noghrehkar, A. (2008). *Introduction to Islamic Identity in Architecture*, Tehran: Ministry of Housing and Urban Development, 271, 428.
- Safavi Mobarhan, Z. (2000). *Symbol and Sign*, *Journal of Architecture and Culture*, 79-1158279, 3-7.
- Saussure, F. (1972). *Cours de Linguistique Générale*, Edited by Tullio de Mauro. Paris: Payot.
- Shirazi, M. (2002). *Architectural Semiotics*, *Journal of Architect*, 16, 14-16.
- Schultz, D.; Schultz, S. (1998). *Theories of Personality*, (S. Mohammadi, Trans.). Tehran: Homa Publication.
- Sojoudi, F. (2008). *Functional Semiotics*, Tehran: Elm Publication, 17-37.
-